

اضطراب و خستگی ارمغان کلاس مجازی



نفیسه کارمند است. به همین دلیل از صبح تا ظهر خانه نیست و نمی‌تواند در کلاس‌های درس مجازی، فرزندش را همراهی کند. هرروز، دخترش را به خانه مادر خود می‌برد تا خاله‌اش در زمان کلاس‌ها، کنار او باشد. «دوست داشتم خودم کنار فرزندم باشم، اما زندگی خرج دارد و نمی‌توانم کارم را رها کنم. زمانی که سر کار هستم چند مرتبه با مادرم تماس می‌گیرم و جویای کلاس‌های دخترم می‌شوم. ظهر که به خانه می‌رویم، دخترم پیگیر تکالیفش است، اما من آن قدر خسته هستم که تکالیفش را به عصر موکول می‌کنم و به طور متوسط دو سه ساعتی درگیر تکالیف او هستم. ضمن اینکه باید به کارهای خانه نیز رسیدگی کنم.»

او می‌گوید که باید تکالیف را سر ساعت مقرر در گروه ارسال کنند و حتی اگر یک دقیقه از آن بگذرد، دیگر امکان ارسال نیست، علاوه بر دانش‌آموزان به مادران نیز استرس زیادی وارد می‌کند. «از عصر مدام چشمانم روی ساعت است که مبادا ساعت به ۹ شب برسد و دخترم هنوز تکالیفش را آماده نکرده باشد. به همین دلیل خیلی به او گوشزد می‌کردم که زودتر تکالیفش را انجام دهد به خصوص زمانی که عصر بیرون می‌رفتیم. استرس

این موضوع به قدری زیاد بود که اعتراض کردیم و این شیوه را تغییر دادند.» نفیسه بر این باور است که تنها چیزی که می‌تواند دانش‌آموز را پای کلاس‌های مجازی بنشاند، انگیزه‌ای است که معلم در آن‌ها ایجاد می‌کند و اهمیت این موضوع در پایه اول دوچندان می‌شود. «به نظرم باید معلم‌های کلاس اول با تجربه باشند که بتوانند از راه دور علاوه بر تدریس، حس خوبی را به دانش‌آموز منتقل کنند. معلم دخترم روش تشویقی را در نظر گرفته است و هر هفته ۵ نفر برتر کلاس را معرفی می‌کند. بین بچه‌ها فرقی نمی‌گذارد و یکی یکی آن‌ها را به عنوان دانش‌آموز برتر انتخاب می‌کند.»

شهربانو

۲۰ شهریور
۱۴۰۰ آبان
۲۰ شهریور ۱۴۴۲ شماره ۲۳۲۲

(۵)

فرانگرفتن مهارت‌های گروهی

نکته‌ای که شاید در میان چالش‌های آموزش مجازی به دانش‌آموزان پنهان مانده، این است که مسائل تربیتی و نکاتی که معمولاً تا پیش از این بچه‌ها در مدرسه و در تعامل با گروه هم‌سالان خود یاد می‌گرفتند، حالا این بار تنها بر دوش خانواده است. سارا مادری خانه‌دار است که به گفته خودش، هرروز تا قبل از شروع کلاس و انجام تکالیف دخترش، حس و حال خوبی دارد، اما از زمانی که کلاس شروع می‌شود تا شب دچار چالش و استرس است. «دخترم از نظر ارتباط‌گیری و اجتماعی بودن مشکل داشت، به قدری که حتی به همسایه‌ای که چند سال است او را می‌بیند خجالت می‌کشد تا سلام کند.

من همیشه به این امید بودم که در محیط مدرسه بتواند بهتر ارتباط برقرار کند. به همین دلیل او را به پیش‌دبستانی فرستادم، اما از نیمه‌راه به دلیل کرونا تعطیل شد. در کلاس‌های مجازی نیز نتوانسته است هنوز دوستی پیدا کند و به همین دلیل بچه‌ها مهارت‌های گروهی را با تأخیر بیشتری یاد می‌گیرند.»

او معتقد است که در کلاس‌های مجازی فرصتی پیش نمی‌آید که معلم‌ها بتوانند درباره موضوعاتی به غیر از درس صحبت کنند. البته در مهرماه یکی دو روز در هفته به صورت حضوری مدرسه می‌رفتند، اما در همان مدت نیز باید معلم نکات درسی را به بچه‌ها آموزش بدهد. «معلم‌ها دیگر

وقتی ندارند که بر روی مسائل تربیتی نیز کار کنند و بار این موضوع نیز بر دوش خانواده و به خصوص مادران است. بچه‌ها از حجم زیاد تکالیف کلافه شده‌اند. دخترم که خیلی دوست داشت به مدرسه برود حالا گاهی که خسته می‌شود می‌گوید چرا من را در مدرسه ثبت‌نام کردید؟ زیرا فکر می‌کند مدرسه به این معنی است که تکلیف بنویسد. با وجود این، دوست دارد به مدرسه برود و همان زمان کمی که به مدرسه می‌رفت خیلی در روحیه‌اش تأثیر داشت.» هنوز برای دختر او نیز مانند خیلی از دانش‌آموزان دیگر، کلاس مجازی جا نیفتاده است و به همین دلیل سخت می‌توانند زمانی که باید سر کلاس باشند

از روحيات و فعاليت‌هایی که در خانه خودشان دارند، دور شوند. «خیلی از اوقات سر کلاس حواسش پرت می‌شود به این دلیل که در مدرسه نیست. فکر می‌کند به این خاطر که در خانه است می‌تواند زمانی که کلاس دارد بازی کند یا کارتون تماشا کند. جدا از این انجام تکالیف، اگر به صورت فشرده باشد دوسه ساعته تمام می‌شود، اما بارها باید گوشزد کنم تا آن‌ها را انجام بدهد. از اقوام شنیده بودم که تا پیش از شرایط کرونا، مدرسه از بچه‌شان می‌خواست است که تکالیف را همان‌جا انجام بدهند و زمانی که کودک به خانه می‌آمده دیگر خود و خانواده‌اش درگیر تکالیف نمی‌شده‌اند.»

زمان کم، کلافگی بی‌شمار



از قبل با او هماهنگ می‌کنم که سر ساعت ۱۱:۱۵ تماس بگیرم که زنگ تفریح بچه‌ها شروع می‌شود و گوشی تلفن همراه برای ۱۰ دقیقه تا شروع کلاس بعدی آزاد است. فرزانه خانه‌دار است و صفر تا صد کلاس مجازی و تکالیف دخترش به او ختم می‌شود. «دخترم به این دلیل که پیش‌دبستانی هم نرفته بود، خیلی علاقه داشت که به مدرسه برود، اما کرونا موجب شد سال اول تحصیلی‌اش در گوشه خانه بگذرد. در این مدت، کلافه شده است زیرا می‌خواهد دوستانش را از نزدیک ببیند.»

فرزانه باور دارد که بیشتر افراد می‌گویند مادرانی که شاغل هستند، تکالیف از کنترلشان خارج می‌شود، اما او با اینکه خانه‌دار است، بازهم وقت کم می‌آورد.

«ساعت کلاس‌های دخترم و انجام تکالیفش با زمان کارهای خانه و بیرون تداخل دارد. ضمن اینکه من یک دختر بزرگ‌تر هم دارم و باید به کارهای او هم رسیدگی کنم. ساعت خوابم نیز به هم ریخته است و معمولاً شب‌ها تا ساعت ۱۲ در حال انجام تکالیف و آزمایش‌های دخترم هستیم.»

فرزانه نیز مانند بسیاری از مادرانی که در دوره کرونا، فرزند کلاس اولی داشتند، نتوانسته است اوقات فراغتی برای خودش داشته باشد. «در مدتی که مدرسه دخترم به صورت مجازی باز شده است، کارهایی را که خودم به آن علاقه‌مند هستم نتوانسته‌ام انجام بدهم. دوست دارم پیگیر اخبار باشم و کتاب بخوانم، اما حالا چند ماه است که هر بار به سراغ کتابی می‌روم، تنها

چند صفحه از آن می‌خوانم و دوباره ناچار می‌شوم آن را کنار بگذارم.» صبح‌ها دخترش را به سختی از خواب بیدار می‌کند و تا زمانی که سر حال شود، زمان می‌برد که ساعت اول کلاس می‌گذرد. او معتقد است مادران نیز در این مدت معلم شده و شاید چند مرتبه تجدید پایه کرده‌اند. «از طرف دیگر مدتی با دخترم

چالش داشتیم که گمان می‌کرد تکالیف را من می‌گویم و معلمشان اجباری در نوشتن تکالیف برایشان قائل نشده است به این دلیل که به هر حال محیط خانه با مدرسه متفاوت است. مشکل دیگر اینترنت و اپلیکیشن ضعیف بود که بارها به همین دلیل اسم دخترم به عنوان غایب رد می‌شد در صورتی که مشکل از جای دیگری بود.»